

۱. مقدمه

در شماره ۲ فصلنامه وزین ادب پژوهی (تابستان ۱۳۸۶) از استاد دکتر توفیق سبحانی مقاله‌ای به چاپ رسیده است تحت عنوان «دیوان کبیر قونیه و کلیات شمس استاد فروزانفر» که ایشان در آن، ۹۳ مورد از اختلاف ضبط‌های تصحیح فروزانفر و نسخه قونیه را - که در زمان چاپ مقاله در حال تصحیح آن بودند و اکنون به چاپ رسیده است - طرح کرده و ظاهراً در همه آنها؛ مگر در یک مورد (مورد شماره ۲۴)، ضبط نسخه قونیه را ترجیح داده‌اند. همچنان‌که ایشان در چکیده مقاله، هدف از انتشار آن نوشتار را «روشن‌تر شدن پاره‌ای موارد» راجع به اهمّیت و سندیت نسخه قونیه ذکر کرده‌اند، بنده نیز دقیقاً با همان قصد و نیت، یکایک نکته‌های ایشان را به بحث و بررسی می‌گذارم و سعی می‌کنم تا ضمن صحه‌گذاشتن بر اهمّیت و اعتبار نسخه قونیه و ارزشمندی زحمتی که استاد در فراهم آوردن چاپ دیگری از دیوان کبیر بر اساس آن نسخه کشیده‌اند، خاطرنشان سازم که عظمت و دقت و اهمّیت کاری که فروزانفر در تصحیح این متن بزرگ کشیده‌اند، هنوز بی‌بدیل است و کلیات شمس با همه اشکالات کوچکی که از لحاظ تصحیح و معنی پاره‌ای از لغات و اصطلاحات خاصّ مولانا بر آن وارد است و دلیل اصلی آن نیز بیماری و ناتوانی استاد فروزانفر و به تبع آن عدم امکان مباشرت مستقیم در قرائت و ضبط متن در تمام مراحل کار بوده است، هنوز اعتبار خود را حفظ کرده است.

چنانکه سبحانی در مقدمه مقاله، با تکریم و تعظیم مقام و مرتبت علمی استاد فروزانفر، در زدودن هر شائبه‌ای که ممکن است هر مقاله انتقادی‌ای در مظان آن قرار گیرد کوشیده‌اند، بنده نیز همین‌جا اعتراف می‌کنم و بر خود می‌بالم که از شاگردان و علاقه‌مندان کوچک هر دو استاد بزرگوار هستم و هیچ قصدی جز بازکردن روزه‌های بسته بحث و نقد و هم‌اندیشی درباره مولانا ندارم.

سبحانی نوشته‌اند: «این نوشته فی‌الواقع پرسشی از روان آن استاد است که: استاد گرامی! شما که در مقدمه کلیات شمس تبریزی مرقوم فرموده‌اید «چون این نسخه (یعنی نسخه قونیه یا نسخه «فذ») کامل‌ترین نسخه است و عدّه اشعار آن از همه بیش‌تر، آن را در استنساخ مبنای کار قرار دادیم» (مقدمه کلیات شمس؛ ج ۱، صفحه

پنج)؛ «۱- چرا این نسخه در مواردی با ضبط شما اختلاف دارد؟ ۲- چرا به همه اختلافات در پانوش اشاره نرموده‌اید؟ ۳- چرا در تدوین شرح مثنوی شریف از بعضی دوستانی که ترکی می‌دانستند، استفاده کرده‌اید اما در مورد واژه‌های ترکی کلیات شمس چنین کاری معمول نداشته‌اید؟»

عبارتی که سبحانی از فروزانفر نقل کرده‌اند دقیقاً از مقدمه مصحح برداشته شده است ولی چون این عبارت، تنها بخشی از دیدگاه فروزانفر را درباره نسخه قونیه و شیوه تصحیح کلیات شمس در بر دارد، ممکن است برای خواننده خالی‌الذهن موجب سوء تفاهم شود؛ از این رو سعی می‌کنم با مراجعه به بخش‌های دیگر مقدمه فروزانفر، کلیت نظر او را راجع به نسخه قونیه و جایگاه آن نسبت به نسخه‌های دیگر در شکل‌گیری متن نهایی تصحیح فروزانفر تبیین کنم.

فروزانفر در تصحیح کلیات شمس به دوازده نسخه دسترسی داشته که از نه نسخه آن در تصحیح استفاده نموده و برای هر کدام رمزی تعیین کرده است تا خواننده، با مراجعه به پاورقی‌ها و به کمک رمزها، از ضبط‌های متعلق به هر کدام از نسخه‌ها آگاهی یابد. ۸ نسخه از این نسخه‌ها از لحاظ زمان استنساخ، مقدم بر نسخه قونیه‌اند^۲ و طبیعی است که ضبط‌های اصیل‌تر و دست‌نخورده‌تر در آنها بیشتر از نسخه قونیه باشد؛ پس چگونه ممکن است استاد نسخه‌شناسی مثل فروزانفر، اصالت و قدمت همه آنها را نادیده بگیرد و ضبط نسخه قونیه (فد) را در همه موارد ترجیح دهد.

از نه نسخه‌ای که در مقدمه جزو اول دیوان به عنوان نسخه‌های اساس تصحیح، معرفی شده، چهار نسخه «خب» (نسخه منتخب متعلق به کتابخانه بلدیه استانبول)، «قح» و «قص» (دو نسخه متعلق به کتابخانه گدک احمدپاشا در شهر افیون قره‌حصار)، «خج» (نسخه متعلق به حاج محمد نخجوانی)، ناقص یا منتخب‌اند؛ بدین معنی که «خب» فقط حاوی بحرهای رجز و مجتث، و مشتمل بر ۶۶۰ بیت است^۳ و «قح» شامل جلد اول دیوان و ۵۸۷۶ بیت است. «قص» فقط از اول حرف «را» تا آخر حرف «نون» را دارد و ۱۰۷۳۷ بیت است و نسخه نخجوانی غزل‌های سه حرف «واو»، «ها» و «یا» را داشته است. پنج نسخه باقی که نسخه کامل محسوب می‌شوند، از جهت تعداد ابیات و جامعیت اشعار دو دسته‌اند:

دو نسخه «عد» و «قو» که قدیمی‌ترند، هر کدام به ترتیب ۱۰۳۷۲ و ۱۰۸۱۰ بیت دارند؛ در حالی که سه نسخه بعدی (چت، مق، فذ) به ترتیب حاوی ۳۸۱۲۴، ۳۰۵۳۵ و ۴۰۳۸۰ بیت‌اند. در میان نسخه‌ها - همچنان که ملاحظه می‌شود - نسخه موزه قونیه (فذ) جامع‌ترین آنها از لحاظ تعداد ابیات بوده است و استاد فروزانفر که می‌خواسته کلیاتی شامل تمام غزل‌های موجود در نسخه‌های کهن مکتوب تا صد سال بعد از وفات مولانا فراهم آورد، آن را اساس استنساخ قرار داده و اضافات نسخه‌های دیگر را بدان افزوده است. بدیهی است که این امر، به هیچ‌وجه بیانگر اعتبار و اهمیت آن نسخه از لحاظ محتوا بر غزلیات مسلم مولانا و دقت در ضبط کلمات نیست و از این جهت سه نسخه دیگر (قو، عد، قح^۴)، که کهن‌تر و حاوی ابیات کمتری هستند، بر آن ترجیح دارند. ارزیابی استاد فروزانفر از اعتبار نسخه‌ها نیز مؤید این نظر است. در میان نسخه‌ها، نسخه «قو» بیش از بقیه نسخه‌ها، اعتماد استاد را جلب کرده^۵ تا جایی که اعتبار سایر نسخه‌ها را با آن سنجیده است. مثلاً در مقایسه آن با نسخه «عد» که نسخه‌ای کهن و بسیار دقیق بوده گفته است: «شیوه کتابت این نسخه نزدیک است به همان شیوه معمول در نسخه «عد» و سایر نسخ قدیمه و از حیث صحت و دقت در شکل کلمات بر آن نسخه ترجیح دارد (مقدمه جزو اول: «ز»); و در مقایسه آن با نسخه «چت» که آن را نسخه‌ای اصیل و از حیث کتابت نزدیک به زمان مولانا، تشخیص داده، چنین اظهار نظر کرده است: از مقابله نسخ بر ما معلوم گردید که این نسخه (چت) از جهت صحت در خور اعتماد است؛ از این رو در تصحیح دیوان آن را بسیار معتبر داشته‌ایم؛ هر چند از لحاظ صحت به پایه «قو» نمی‌رسد (همان: «ط»). راجع به اعتبار و اصالت نسخه «قح» نیز نظری کاملاً مثبت و تأییدآمیز و برابر با نسخه «قو» دارد: نسخه‌ای است کامل و بدون نقص؛ و غلط آن کم و نادر است؛ بدین سبب در تصحیح دیوان بر آن اعتماد تمام نموده‌ایم.

در مقابل این تصریحات مربوط به اعتبار نسخ متقدم‌تر، آنچه راجع به نسخه «فذ» آمده، بیشتر ناظر بر زیبایی نسخه، خوانایی و وضوح خط و جامعیت اشعار است: این دو نسخه (دو جزو نسخه «فذ») از جهت تزیین و تذهیب بر سایر نسخ، مزیت فراوان دارد... و چون این نسخه کامل‌ترین نسخ است و عده اشعار آن از همه بیشتر، آن را مبنای استنساخ قرار دادیم (همان: «یب» و «یج»).

همچنان که گفته شد اهمّیت نسخه قونیه در تصحیح کلیات شمس، غالباً از جهت اشتغال آن بر بیشترین تعداد ابیات و غزل‌ها و شیوه خط آن بوده است؛ نه لزوماً از نظر ضبط‌ها. مؤید این ادّعا، نکاتی است که در ذیل «روش مقابله و تصحیح»، مذکور در ادامه معرفی نسخه‌ها در مقدمه تصحیح فروزانفر آمده است (همان: «یه»).

از آنچه در روش تصحیح آمده، معلوم می‌شود که:

۱- نسخه مصحح فروزانفر، نسخه جامع غزلیات مولانا و غزلیات منسوب به مولانا، موجود و مضبوط در نسخ دیوان تا ۹۸ سال بعد از وفات مولانا (۷۷۰ ه ق) است.

۲- نسخه مورخ ۷۷۰ قونیه (فد) از نظر محتوا بر تعداد غزل‌ها و ابیات، جامع‌تر از دیگر نسخ بوده، در نتیجه در فراهم آوردن متن مبنا از لحاظ شمار غزل‌ها، اساس قرار گرفته است.

۳- مبنای ضبط صورت مرجح ابیات در متن، در درجه اول ضبط اکثر نسخ بوده و در صورتی که ضبط نادری بر ضبط اکثر نسخ، ترجیح داشته، از رعایت آن مبنا، عدول شده و صورت درست‌تر - ولو اینکه ضبط یک نسخه باشد - به متن برده شده است. در موارد تساوی نسخه‌ها، ضبط نسخه یا نسخه‌های قدیمی‌تر اساس قرار گرفته است.

۴- برای اینکه درجه سندیت غزل‌ها ارزیابی شود، وجود آنها در شمار بیشتری از نسخ، ملاک تقدیم و تأخیر آنها - در ترتیب غزلیات هر بحری - قرار گرفته است و غزلهایی که در پایان هر بحری آمده، بی‌اعتبارترین آنها از جهت استناد به مولانا است و برعکس.

ملاحظه می‌کنید که در اینجا برای درج ضبط‌های نسخه مورخ ۷۷۰ قونیه (فد) در متن و به حاشیه بردن ضبط‌های دیگر، هیچ تعهدی و التزامی نشده است.

نسخه قونیه از جهت جامعیت کمی و شیوه خط آن، اساس قرار گرفته، ولی ضبط اکثر نسخ یا اقدم آنها (در صورت تساوی ضبط‌ها) و یا ضبط یک یا چند نسخه که دلیل روشن و قاطعی برای ترجیح آن بر ضبط سایر نسخ وجود داشته، ملاک به متن بردن آن ضبط بوده است. در این مورد نسخه قونیه حداقل از لحاظ قدمت پس از نسخه‌های دیگر قرار می‌گیرد و در دو شرط دیگر با آنها برابر است. پس نمی‌توان از استاد فروزانفر پرسید که چرا این نسخه در مواردی با ضبط شما اختلاف دارد (سؤال ۱)،

چون اصلاً از اول قرار نبوده است که متن فروزانفر منطبق بر این نسخه باشد و در تمام موارد از آن تبعیت کند؛ چراکه در آن صورت، اصولاً هیچ دلیل موجهی برای تصحیح دوباره متن بر اساس تک نسخه قونیه- که خود استاد سبحانی متولی آن بوده‌اند- وجود نمی‌داشت. درباره سؤال دوم که «چرا به همه اختلافات در پانویس اشاره نفرموده‌اید؟» باید گفت که هیچ مصححی عملاً نمی‌تواند هر ضبط درست یا نادرستی را که در نسخه‌های مورد مراجعه او هست، به عنوان نسخه‌بدل قید کند؛ چون این کار نه تنها کمکی به خواننده نمی‌کند بلکه ضبط‌های قابل توجه و تأمل را نیز در زیر خرواری از خطاهای خواسته یا ناخواسته کاتبان، پنهان می‌کند و امکان سنجش و گزینش را عملاً از خواننده سلب می‌کند. برای اینکه معلوم شود هر مصححی در عمل، ناگزیر از رعایت این اصل بوده است کافی است یادآوری شود که در همین چاپ آقای دکتر سبحانی که مبتنی بر یک نسخه بوده و قاعدتاً باید همه ضبط‌های آن حفظ یا لااقل همه موارد تصرف در ضبط نسخه اساس به‌دقت در حاشیه قید می‌شده است، به عمد یا سهو، عملاً چنین کاری صورت نگرفته و در بعضی موارد ضبط نسخه اساس با ضبط فروزانفر جایگزین شده؛ بدون اینکه در حاشیه بدان تصریح شود؛ مثلاً در همان غزل ۱۴۵ فروزانفر و غزل ۳۱۶۹ چاپ سبحانی حداقل دو تصرف در متن وجود دارد که در حاشیه بدان اشاره نشده است؛ در حالی که فروزانفر یک مورد مهم تر را در پاورقی متذکر شده است^۶.

- بیت ۳۵۴۱۰ ضبط نسخه اساس:

شب شد و در حین^۷ ز هجر^۸ آن رخ چون آفتاب ...

ضبط سبحانی:

شب شد و در چین ز هجران رخ چون آفتاب ...

- بیت ۳۵۴۱۷ ضبط نسخه اساس:

چون درستی و تمامی شاه تبریزی بدید در صف نقصان نشستست از حیا مثقالها

ضبط سبحانی:

چون درستی و تمامی شاه تبریزی بدید در صف نقصان^۹ نشستست از حیا مثقالها!

در این مورد، فروزانفر با اینکه ضبط "نقصان" را ترجیح داده و در متن آورده است، از آوردن ضبط نسخه قونیه نیز غفلت نکرده است ولی سبحانی با اینکه فقط همان

"نفسان" را در اختیار داشته، آن را با ضبط فروزانفر جایگزین کرده و هیچ اشاره‌ای به آن نکرده است.

- همچنین است بیت ۳۳۵۶۳ در چاپ فروزانفر و ۳۴۵۸۱ از چاپ سبحانی:
ضبط نسخه اساس:

یک لقمه نان چون کوفته شد نان گشت و کند نان جانوری
ضبط سبحانی و فروزانفر:

یک لقمه نان چون کوفته شد جان گشت و کند نان جانوری

سبحانی بدون هیچ گونه اشاره‌ای به ضبط نسخه اساس خود، "نان" را بر اساس نسخه فروزانفر به "جان" تبدیل کرده؛ در حالی که فروزانفر "نان" را در حاشیه به نقل از "فذ" به عنوان نسخه بدل آورده است.

با توجه به همین چند مثال که البته نظایر بسیاری در چاپ سبحانی دارد، می‌توان چشم‌پوشی استاد فروزانفر را از ضبط‌های قطعاً نادرست و غیرقابل ذکر، موجه دانست و گفت که اگر ایشان خود را به ذکر تمام ضبط‌های درست و نادرست نسخه‌ها ملزم می‌کردند، چند برابر انرژی و کاغذ صرف می‌شد؛ بدون اینکه کمترین فایده‌ای بر آن مترتب باشد؛ همچنان که امروزه حواشی بسیار شلوغ و آشفته خمسه نظامی چاپ شوروی سابق، خیلی کمتر مورد مراجعه خوانندگان و حتی اصحاب تحقیق قرار می‌گیرد؛ چون پیدا کردن ضبط درست از میان آنها مثل پیدا کردن سوزنی در انبار کاه است! البته در تمام مواردی که ضبط نسخ دیگر مغفول مانده است، با اطمینان نمی‌توان ضبط متن را بر آنها مرجح دانست و حق را به استاد فروزانفر داد اما با استقصا و بررسی موارد ترک ضبط نسخه قونیه در پابرها، به ندرت می‌توان موردی یافت که وجه ترجیحی نسبت به متن مختار فروزانفر داشته باشد یا حتی توجیهی برای درستی آن پیدا شود.

حال ببینیم از این ۹۳ مورد اختلاف، فروزانفر چند مورد نقل نسخه بدل را از قلم انداخته است و چرا؟ استاد توفیق سبحانی خود در پنج مورد (۳۶، ۴۷، ۵۲، ۵۴، ۸۸) اذعان کرده است که فروزانفر ضبط نسخه قونیه را در حاشیه آورده. از این پنج مورد در چهارتای آن ضبط متن فروزانفر بر «فذ» ترجیح دارد:

۳۶ - عقل گوید که من او را به زبان بفریم عشق گوید تو خمش باش به جان بفریم

در نسخه: ... عشق گوید تو خمش، تاش به جان بفرییم
تاش دقیقاً به همین معنی در بیت بعد آمده:

جان به دل گوید: "رو بر من و بر خویش مخند" چیست کو را نبود تاش بدان بفرییم
دو نسخه "فد" و "مق" به جای "باش" و "تاش" داشته‌اند که فروزانفر آن را در حاشیه
آورده. دو نسخه "قح" و "عد" نیز این غزل را نداشته‌اند. در واقع فروزانفر در اینجا به
ضبط اکثر نسخ اعتماد کرده و چون "تاش" به همین معنی در بیت بعد هم آمده بود،
"باش" را بر "تاش" ترجیح داده‌اند.

۴۷ - هست تقاضاگرِ او لطف او ...

در نسخه: هست تقاضاگرِ من لطف او ...

• فروزانفر در پانوشت به ضبط "فد" و ضبط دو نسخه "مق، چت" (هست تقاضاگرِ او
لطفِ من) اشاره کرده، اما با آگاهی از آنها ضبط متن را که ضبط ۶ نسخه دیگر بوده،
اختیار کرده است. برای داوری درباره صورت درست بیت، دو بیت قبلی را نقل می‌کنیم:

ساقی من خیزد بی‌گفت من آرد آن باده وافر ثمن

حاجت نبود که بگویم: بیار بشنود آواز دلم بی‌دهن

هست تقاضاگرِ او لطف او وان کرم بی‌حد و خلق حسن

در بیت سوم می‌گوید: خواهش من نیست که او را به آوردن باده گرانبها برای من تشویق
می‌کند بلکه لطف و کرم و خوشخویی خود او از او می‌خواهد که در حق من احسان
کند. تقاضاگرِ او؛ یعنی تقاضاگر از او، محرک کرم و احسان او.

۵۲ - هجر خویشم منما هجر تو بس سنگ دل است ای شده لعل ز تو سنگ بدخشان تو مرو

در نسخه: ... ای شده سنگ ز تو لعل بدخشان تو مرو

• از یازده نسخه، نسخه "قح" این غزل را نداشته و ۳ نسخه "فد، چت، خج" در ضبط
نسخه قونیه مشترک بوده‌اند. پس متن بر اساس اتفاق ۶ نسخه فراهم آمده و درست
است. سنگی که در بدخشان است، به لعل تبدیل می‌شود نه اینکه مطلق سنگ‌ها در
هرجا که باشند به لعل بدخشان تبدیل شوند! شفیعی نیز در گزیده همین ضبط را
حفظ کرده است (۱۳۸۴: ۴۴۷).

۵۴ - نه بر عاج و نه بر شمشاد کردم

ببستم نقش‌ها بر آب، کان را

در نسخه: **نبشتم** نقش‌ها بر آب ...

● فروزانفر در پاورقی به ضبط متفاوت دو نسخه "فذ، چت" اشاره کرده. با حذف ۳ نسخه‌ای که این غزل را نداشته‌اند، معلوم می‌شود که ۶ نسخه در "ببستم" به جای "نبشتم" اتفاق داشته‌اند و همان ضبط مرجح است.

نقش بستن: کنایه از تصویر کردن، نقاشی کردن و نقش کشیدن است:

من نقش همی‌بندم، تو جامه همی‌باف این است مرا با تو همه شغل و همه کار

(ناصر خسرو)

مرا صورتی بر نیاید ز دست که نقشش معلّم ز بالا نیست

(سعدی)

هر دو شاهد به نقل از لغت‌نامه دهخدا، ذیل "نقش بستن" نقل شده است. ترکیب "نقش‌بندی" نیز موید آن است که نقش را می‌بسته‌اند؛ نمی‌نوشته‌اند.

ب. حداقل در ۱۸ مورد دیگر (۸، ۱۱، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۲۹، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۷۲، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۲، ۸۳، ۸۴) فروزانفر ضبط قونیه را به عنوان نسخه‌بدل آورده ولی سبحانی آن را یادآوری نکرده است. در این موارد نیز جز یکی دو مورد، ضبط فروزانفر مرجح است:

۸ - نغمت آن کس که او مژده تو آورد گرچه **بخوابی** بود به ز آغانی مرا

در نسخه: ... گرچه **نخوانی** بود ...

● ضبط فروزانفر معنی روشنی دارد و بر مبنای ۵ نسخه اختیار شده، و به اختلاف نسخه "فذ" نیز در حاشیه تصریح شده است. استاد سبحانی نیز برای ضبط «فذ» وجه ترجیحی نیاورده‌اند تا معلوم شود چرا این اختلاف را برجسته کرده‌اند.

معنی بیت با ضبط فروزانفر: شنیدن صدای خوش کسی که مژده تو را برای من بیاورد، برای من از شنیدن هر سرود و آواز دیگری خوشایندتر است؛ اگرچه این بشارت در خواب اتفاق بیفتد.

۱۱ - نیم‌دلی را به چه آرد که او پست کند **صد دل** فرزانه را

در نسخه: **بیم‌دلی** ...

ظاهراً "بیم‌دل" به معنی ترسو و ترسان.

● اولاً فروزانفر ضبط نسخه قونیه را در حاشیه آورده؛ ثانیاً از ۶ نسخه‌ای که این غزل را داشته‌اند، تنها نسخه "فذ" ضبط متفاوتی داشته و متن فروزانفر بر مبنای ۵ نسخه دیگر اختیار شده. به دلایل معنایی و درون‌متنی، تنها ضبط فروزانفر واجد معنای پذیرفتنی است. در دو بیت قبل، شاعر می‌گوید: ای ساقی آن ساغر مردانه را بیاور و این بدن کافر را که به دیوی تبدیل شده است رام کن. آن می که صد دل فرزانه را رام می‌کند با نیم‌دل من چه خواهد کرد!

صددل در مصراع دوم قرینه‌ای دیگر بر درستی نیم‌دل در مصراع اول است.

۲۰ - خامش کن و در خمش تماشا کن
بلبل از گفت پای بست آمد
بدون یاری گرفتن از نسخه هم "در خمش تماشا کردن" معنی روشنی نمی‌دهد.

در نسخه: خامش کن و در چمن تماشا کن

● استاد فروزانفر، ضمن نقل ضبط نسخه "فذ"، به سبب ترجیح ضبط ۵ نسخه دیگر بر آن، به حق بدان اعتنا ننموده است.

مولانا از آغاز غزل، لحن روایی دارد. در پایان غزل خطاب به خود می‌گوید که بهتر است سکوت کنی و در عین خاموشی تأمل و تفرّج باطنی کنی؛ زیرا گرفتاری بلبل نیز از بسیارگویی اوست. در سبک مولانا، کاربرد "خمش" به جای "خمشی" کاملاً طبیعی و بدیهی است. ضبط "در چمن تماشا کن"، چه معنای مرجّحی دارد؟ یعنی سکوت کن و در چمن و گلستان به تفرّج و تماشا مشغول شو! اینجا جریان سخن هیچ ارتباطی با چمن ندارد. اگر از بلبل سخن می‌رود به سبب بسیارگویی اوست (← حکایت طوطی و بازگان مثنوی). درواقع تقابل سکوت و سخن‌گویی و ترجیح اولی بر دومی مطرح است نه تقابل در خانه نشستن و در را به روی خود بستن با تفرّج در طبیعت.

۲۳ - هله چون دوست بُدستی همه‌جا جای نشستی
خنک آن بی‌خبری کو خبر از جای تو دارد
در نسخه: هله چون دوست بُدستی به همه‌جا نشستی...

● فروزانفر ضبط ۷ نسخه دیگر را که این غزل را داشته و بیت را به همین صورت ضبط کرده بوده‌اند، بر ضبط قونیه ترجیح داده است.

شاعر می‌گوید: اگر دوست باشد، همه‌جا جای نشست اوست و می‌توانی او را در هر جا بیایی. خوشا به حال بی‌خبرانی که از جا و مقام تو باخبرند (تو را در هر جا و هر حال می‌بینند و می‌یابند).

۲۷ - بند و زندان خوش! ای زنده‌دلان خوش مرا عیشی است آنجا معتبر

در نسخه: بند و زندان خوش بود زنده‌دلان
این ضبط مخلّ وزن هم نیست.

● ضبط "فذ" در حاشیه آمده، پس تغافل در کار نبوده است. استاد سبحانی گفته‌اند این ضبط مخلّ وزن هم نیست. معلوم می‌شود که به نظر ایشان ضبط فروزانفر (یعنی ضبط مبتنی بر ۷ نسخه) از لحاظ وزن اختلال داشته؛ در حالی که چنین نیست. بیت در بحر رمل مسدّس است و کافی است کسره "ن" زندان، اندکی کشیده و با اشباع قرائت شود. برای دریافتن معنی درست ضبط فروزانفر، یکی دو بیت قبل از آن را نقل می‌کنیم:

بشکنم شیشه، بریزم زیر پای	تا خلد در پای مُرد بی‌خبر
شحنه یار ماست، هر کو خسته شد	گو: "مرا بسته به پیش شحنه بر"
شحنه را چاه زنج زندان ماست	تا نهم زنجیر زلفش پای بر
بند و زندان خوش! ای زنده‌دلان	خوش مرا عیشی است آنجا معتبر

شاعر کاری می‌کند که او را به پیش شحنه برند و چون چاه زندان و زنجیر زلف شحنه، زندان و بند زندانیان است، پس در بیت آخر می‌گوید: ای زنده‌دلان! [زنجیر زلف و چاه زندان] عجب بند و زندان خوشی است! من در آنجا عیش مقبول و معتبری خواهم داشت.

ضبط فروزانفر مرجّح است؛ چون هر بند و زندانی خوش نیست بلکه بند و زندانی که در بیت قبل از آن سخن رفته، خوش است و این را فقط از ضبط فروزانفر می‌توان دریافت.

۲۹ - گر ز کبر و خشم بیزاری برو کنجی بخسب

ور ز کبر و خشم دلشادی برو غمناک شو

در نسخه: گر ز کبر و خشم بیداری، برو کنجی بخسب

● این غزل درسه نسخه "قو، قح، عد" نبوده و در چهار نسخه "فد، چت، عل، خج" بیداری ضبط شده بوده که فروزانفر در پاورقی به آنها اشاره کرده است. در آن صورت چهار نسخه "مق، خب، قص، وین" بیزاری داشته اند و استاد فروزانفر آن را بر "بیداری" ترجیح داده است.

البته در ضبط قونیه، تقابل بین بیداری و خواب و شادی و غمناکی فریبنده است ولی سبک مولانا با این تناسبهای عمدی و آگاهانه زیاد سازگار نیست. می‌گوید: اگر از کبر و خشم نفرت داری، پس هیچ دلیلی برای ناراحتی و عذاب وجدان نیست. برو و آسوده در گوشه‌ای بخواب؛ ولی اگر خشم و کبر تو را خوشحال می‌کند، معلوم می‌شود که روح بیمار شده و باید ماتم بگیری و بر حال زار خود غمناک باشی.

۵۷ - کشتی نفس آدمی، لنگری است و سست‌رو زین دریا بنگذرد بی ز کشاکش و خله در نسخه: کشتی نفس آدمی، لنگری است و سست‌پی

● استاد فروزانفر در حاشیه متذکر شده‌اند که مصراع اول بیت در نسخه قونیه دو بار تکرار شده که یکی ضبط "سست‌رو" دارد و دیگری "سست‌پی".

فقط یکی از نسخه‌ها (عد) فاقد این غزل بوده است. نه نسخه دیگر همه "سست‌رو" داشته‌اند و همان درست است؛ چراکه کشتی لنگری، سست‌رو و کندرو است نه سست‌پی؛ سست‌پی توصیف مناسبی است برای کسی که با گام‌های لرزان راه می‌رود یا ساختمان و بنایی که بنیادی سست دارد: کشتی نفس انسان، سنگین و کندرو است و به اکراه و زور باید آن را از این ورطه بیرون کشید.

۵۸ - گفتم به ایاز ای حر، محمود شدی آخر در شاه چه جا کردی ای آیبکی بوده "آیبکی" چنانکه در پانوش آمده باید "آیبکی" باشد.

● "آیبک" چنانکه در فرهنگ معین آمده (البته با ضبط آیبک) نامی است برای ترکان و مجازاً قاصد و غلام معنی می‌دهد و در معنی اخیر در مثنوی به کار رفته:

گفت ای آیبک بیاور آن رسن تا بگویم من جواب بوالحسن (۳۰۸۱: ۵)

گفت ای آیبک ترازو را بیار گربه را من برکشم اندر عیار (۳۴۱۵: ۵)

متن فروزانفر مبتنی بر ۶ نسخه است؛ نه اختلال وزنی وجود دارد نه اشکال معنایی و نه مشکل سندیت. معلوم نیست چرا استاد سبحانی گفته‌اند: باید "آیبکی" باشد!

۶۱- گفت خون باشد زبان عاشقی عشق را خون است برهان آمده

در نسخه: گفت چون باشد زبان عاشقی ...

• فروزانفر ضبط مشترک "فذ، چت" را در پاورقی آورده و ضبط ۵ نسخه دیگر را که با فحوای کلام همخوانی بیشتر داشته و درست‌تر بوده به متن برده است. بدون توجه به بیت قبل، تشخیص ضبط درست، میسر نیست:

گفتمش: "از عاشقان این خون ز چیست؟ ای تو از عشاق و رندان آمده"

گفت: خون باشد زبان عاشقی عشق را خون است برهان آمده

بیت دوم در جواب بیت اول آمده. آن، از خون پرسیده و طبیعی است که این، خون را توضیح دهد؛ نه اینکه دوباره سؤال را تکرار کند.

۷۲- جام همچون شمع را بر آتش می‌برفروز پس بسوز این عقل را گر بیت احزانستی در نسخه: جان همچون شمع را ...

• متن بر اساس ۶ نسخه اختیار شده و برضبط «فذ» ترجیح دارد. با توجه به بیت قبل گفته است: ای ساقی، اگر می‌تند و تیز نبود، سگ نفس دندان تیز می‌کرد و پای جان را می‌گزید. پس ای ساقی شمع جام را با آتش می‌روشن کن و بعد با آن عقل غم‌پرور را بسوزان؛ یعنی می‌ده تا غم زایل شود.

۷۶- آن قراضه ازلی، ریخته در خاک تنست کو قراضه تک غلبیر تو گر می‌بیزی؟

در نسخه: ... کو قراضه تک غلبیر کرا می‌بیزی؟

• ضبط فروزانفر با ۷ نسخه اقدم، منطبق و صحیح است. بیت لحن توبیخ و تحریض دارد. می‌گوید: قراضه جانن در لابه‌لای خاک تنن پنهان شده است. اگر تاکنون تلاشی برای یافتن و نجات دادن آن کرده‌ای، پس چرا اثری از معنویت و معرفت و حیات معقول در وجود تو نیست.

۷۷- این سر مخمور اندیشه پرست مست گردد زان می‌احمر، بلی

در نسخه: این سر مخمور ز اندیشه پُرسست...

• ابیاتی که پشت سر هم آمده‌اند، ساختار نحوی یکسانی دارند و بر درستی ضبط فروزانفر که مطابق با ۷ نسخه است، صحه می‌گذارند:

دامن پر خاک و خاشاک زمین پر شود از مشک و از عنبر، بلی

آن بر سیمین و این روی چو زر
این سر مخمور اندیشه پرست
این دو چشم اشکبار نوحه گر
۷۸ - جان پاکان، طالب جان زر است
اندر آمیزند سیم و زر، بلی
مست گردد زان می احمر، بلی
روشنی یابد از آن منظر، بلی
جان حیوان، گاه و جو خواهد همی
در نسخه: جان پاکان، طالب کان زر است.

• متن برآیند ۷ نسخه دیگر است. جان زر گویا به معنی جان خالص و باارزش است. کان زر نیز در تقابل با گاه و جو، پذیرفتنی است.
۷۹ - زوتر ای قفال مفتاحی بساز
کز فرج باشد ورا دندانهای
در نسخه: رو تو ای قفال ...

• چون در بیت قبل، از ظهور فتنه در شهر خبر داده شده، پس طبیعی است که از قفل ساز بخواهد تا در ساختن کلیدی که دندانهایش از فرج باشد (تا از فتنه برهاند) شتاب کند.

۸۲ - کعبه جانها، روی ملیحش
پخته عالم، خام افندی
در نسخه: ... پخته عالم، خام افندی

ظاهراً شخص پخته بسیار دان هم در نظر افندی، خام به حساب می آید.
• "پخته عالم" در شعر ثقیل و در این غزل که ریتم تند و طرب انگیزی دارد، متکلفانه است. پخته عالم؛ یعنی زیرک روزگار؛ آنکه در تجربه و عقلانیت در عالم نظیر ندارد.

۸۳ - گر الفی و سابق حرفی
محو شو اندر، لام افندی
در نسخه: گر الفی تو سابق حرفی ...

• معنی: اگر تو الف و در صدر حروف باشی ...
مفهوم "تو" از جمله استنباط می شود و نیازی به ذکر آن نیست. با آوردن "تو"، مفهوم مصراع نخست مستقل از مصراع دوم می شود؛ در حالی که مصراع اول جمله شرط و مصراع دوم، جواب شرط است.

۸۵ - من نزل و منزل تو، من برده ام دل تو
گر جان ز من ببری، والله که جان نبری
در نسخه: ... گر دل ز من ببری، والله که جان نبری

• بیت قبل چنین است:

عشق تو خواند مرا، کز من چه می‌گذری؟! نیکو نگر، که منم آن را که می‌نگری
عشق، رهگذر را می‌خواند که خوب نگاه کن؛ آنکه دنبالش می‌گرددی منم؛ پس از من
مگذر. تو به نزل و منزل نیاز داری. آنها را پیش من خواهی یافت. دل تو پیش من است
اگر جان را به من نسپاری و آن را از من دریغ کنی، جان سالم به در نمی‌بری و در این
راه هلاک می‌شوی.

در نسخه قونیه نیز در اصل "جان" بوده، بعداً در کنار کلمه، به دل تبدیل شده است.

ج. حداقل ۳۱ مورد از اشکالات طرح شده، غلط چاپی یا به قول سبحانی مطبعی
است که ایشان به غلط چاپی بودن ۴ مورد (۱۵، ۴۱، ۴۵، ۵۰) تصریح کرده‌اند. در ۴
مورد دیگر (۵۱، ۴۱، ۳، ۲) اشکال چاپی در چاپ‌های دیگر فروزانفر (چاپ اول ۱۳۳۶-
۱۳۴۱ دانشگاه تهران و چاپ سوم و چهارم ۱۳۶۳ و ۱۳۷۸ امیرکبیر) برطرف شده و ایراد
اشکال بر آنها منتفی است. ۸ مورد از غلط‌های چاپی در مواضع قافیه اتفاق افتاده یا
باعث اختلال در وزن شده است. بعید است بتوان احتمال داد که استادی به پرمایگی و
تسلط فروزانفر از تشخیص آنها عاجز بوده باشد.

ضبط "یکسر" به جای "یکسان"، «دید» به جای «در»، «خون‌خواری» به جای
«خون‌خوردی»، «می‌گریزد» به جای «می‌گزیرد» در محل قافیه (۱۴، ۲۱، ۲۸، ۸۹)؛
یا «باشد» به جای «آید» در محل ردیف (۹۱)، اگر غلط چاپی نیست پس چیست؟!
حروف چین به جای چیدن سه بار «شکر اندر»، دو بار آن را تکرار کرده است که به
تقلیل یکی از ارکان عروضی (فعلاتن) مصراع منجر شده است (۳۴). شکر اندر شکر اندر
شکرست؛ زیادتی «تو» و «س» در لابه‌لای کلمات دو مصراع از دو رباعی نیز اختلال
وزن را به دنبال آورده است (۹۲، ۹۳)؛ آیا احتمال دارد که چنین مواردی به عمد و به
نیت ترجیح ضبطی بر ضبط دیگر، در متن قرار گرفته باشد؟!

جویان دل است دل تو بدو بنمایم / عشقست (به جای عشقت) صنما چه دلبری‌ها کنی
«جاه» به جای «چاه» (۱)، «تن بتن» به جای «تن تنن» (۶)، «مست شود» به جای
«مست شو و» (۷)، «نیاید» به جای «نیاید» (۱۲)، «صحبت» به جای «صحت» (۱۳)،
«یاسمن» به جای «با سمن» (۱۷)، «خوش» به جای «خویش» (۱۹)، «می‌فرستند» به جای
«می‌فرستد» (۲۲)، «زبان» به جای «زبان» (۲۶)، «محل» به جای «حمل» (۳۱)، «بجستم»

به جای «بخستم» (۳۳)، «گه» به جای «که» (۳۹)، «عشق شود» به جای «عشق شو و» (۴۶)، «جوش» به جای «عرش» (۴۸)، «همی باش» به جای «بمی / به می باش» (۴۹)، «اصل» به جای «اهل» (۶۴)، «سوری» به جای «شوری» (۶۷)، «دست» به جای «دشت» (۶۸)، «سرا» به جای «سزا» (۷۰)، «بهاری» به جای «نهاری» (۷۳)، «دام» به جای «دم» (۸۱) از جمله غلط‌های مطبعی‌اند و هر خواننده دقیق و کتاب‌خوانی می‌تواند ضبط درست بیت را حدس بزند؛ البته در این مورد نیز تصحیح و یادآوری استاد سبحانی مغتنم است ولی طرح آنها به عنوان ضبط‌های نادرست پذیرفتنی نیست.

۵. در بقیه موارد مطرح شده، گاهی ضبط مختارِ فروزانفر ارجح است و گاهی نسخه «فذ» ترجیح دارد و اشکال استاد سبحانی وارد است. ما برای رعایت اختصار موارد نخست را بررسی می‌کنیم و در آخر تنها به ذکر شماره‌های موارد دوم اکتفا خواهیم کرد؛ چون دلایل استاد ضمن آنها آمده و ما نیز با آنها موافقیم. در بعضی موارد هر دو ضبط قابل دفاع و توجیه است و ترجیح یکی بر دیگری بدون تکلف ممکن نیست. برای رعایت اختصار، از طرح آنها چشم‌پوشی کرده‌ایم.

۴- تا بدیدی دل‌غذایی گونه‌گونه در فراق
سنگ خون‌گرید اگر زان بشنود احوال‌ها
در نسخه: تا ندیدی دل ... (فعل منفی)

● این بیت از غزلی است که تنها در دو نسخه "مق" و "فذ" آمده و به احتمال زیاد الحاقی است.

معنی بیت طبق ضبط فروزانفر روشن است: دل در فراق، به آنچنان عذاب گونه‌گونه دچار شده، که اگر سنگ از آن احوال‌ها چیزی به گوشش رسد، خون می‌گرید.

۹- سرو علمدار رفت سوخت خزان را به تفت
وز سر که رخ نمود لاله شیرین لقا
در نسخه: سرو علمدار رفت سوخت خزان را به نفت

● شفیع‌ی نیز ضبط فروزانفر را بعینه آورده (غ ۴۶ گزیده).

به تفت یعنی با شتاب و به عجله و بی تأمل و تردید و با توجه به کهنگی و سابقه استعمال آن در متون ادبی بر ضبط قونیه ترجیح دارد:

چو دانی که ناچار بایدت رفت
همان به که کاری بسازی به تفت

(فردوسی)

بکتگین به تفت می‌راند به حدود شبورقان (تاریخ بیهقی؛ هر دو شاهد به نقل از: دهخدا، علی اکبر ۱۳۷۷، ذیل تفت).

مولانا تفت و به تفت را بارها در مثنوی و غزلیات به کار برده است. سرو علمدار به شتاب پاییز را نابود کرد و لاله خوش‌سیما از طرف کوهستان سر بر زد. اگر بخواهیم بیت را با نفت معنی کنیم، آن وقت باید بپرسیم که سرو با کدام نفت خزان را آتش زد؟!

۱۸ - دیده غین تو تنگ، میمت از آن تنگ‌تر تنگ‌متاع تو را عشق خریدار نیست
در نسخه: "دیده عین" مناسب‌تر از "دیده غین" نیست؟

● چرا! در حال تعلیق و خارج از متن، "دیده عین" تناسبی دارد که "دیده غین" ندارد ولی وقتی غزلی از آغاز تا پایان، خطاب به "غم" سروده شده باشد (ای غم اگر مو شوی، پیش منت بار نیست ...) و در هر بیت کلمه غم تکرار شود، چرا باید دفعاتاً دو حرف "غ" و "م" غم، را به "ع" و "م" تبدیل کنیم تا تناسب ایجاد شود؟! بیت در توبیخ غم است نه عم. پس چرا باید تنگی "ع" را جایگزین تنگی "غ" کرد؟!

۳۵ - به لب شکرفشانت، به ضمیر غیب‌دانت که نه سخره جهانم، نه زبون سرخ و زردم
در نسخه: ... که نه سخره جهاتم، ...

● هر دو ضبط وجهی دارند ولی ضبط قونیه بهتر است.

۴۳ - به بت شکرفشان شو، زلبش شکرستان شو جهت قران ماهش، چو منجمان رصد کن
در نسخه: به پیش شکرفشان شو ...

ظاهراً یعنی در پایش شکر بریز، از لبش شکر گیر ...

● از یازده نسخه مرجع، این غزل، تنها در نسخه "عد" نیامده از این رو، از غزلیات مسلم مولاناست. اگر فروزانفر برای "بت شکرفشان" بدلی ذکر نکرده، حتماً برای این بوده است که ده نسخه درستی ضبط متن را مسجل کرده‌اند. به لحاظ معنی و سبک مولانا نیز کاملاً درست و بی‌شبهه بوده است. در ابیات قبل آمده:

شکرت چو آرزو شد ز لب شکرفروشش چو عباس دبس زوتر ز شکر فروش کد کن
... شکر خوش طبرزد که هزار جان به آرزد حسد ار کنی تو باری پی آن شکر حسد کن
به بت شکرفشان شو، ز لبش شکرستان شو...

مولانا می‌گوید: وقتی هوس شکر(بوسه) از لب‌های شیرین یار کردی مانند گدایان لجوج، زودتر به سراغ آن معشوق شیرین لب و خوش‌سخن برو و بوسه‌گذاری کن؛ شکر بسیار شیرین و دلنشینی که هزار جان بیشتر می‌ارزد و ارزش دارد که انسان بدان حسودی کند. به پیش آن معشوق خوش‌سخن برو و از لب‌های شکرینش بوسه بخواه و... "به پیش" در فارسی معمولاً به معنی "به دنبالش" به کار می‌رود؛ نه به معنی "در پیش". از لحاظ سبکی باید گفت که ترکیب‌سازی با "شکر" مورد علاقه مولانا بوده و او از معشوق با صفت‌های شکرپاسخ، شکر جواب، شکر فسانه، شکر فشان، شکر قند، شکر گفتار، شکر لب، شکر ناک، شکرین یاد کرده است؛ از این رو "شکر فشان" نیز صفت "بت" است همچنان که در بیت زیر در وصف لبی آمده است که برای عاشقان شکر می‌افشاند (به نقل از فرهنگ نودر لغات، ضمیمه ج ۷، کلیات شمس فروزانفر):

دهان پُر است و خموشم که تا بگویی تو کز آن لب شکرینت شکر فشان داریم

۴۴ - باید اول ز حدت، سوی قدم پیوستن وانگهان بر قدمش نیمچه‌ای ببریدن

• اشکال مربوط به معنی کلمه نیمچه است و به ضبط کلمه مربوط نمی‌شود؛ از این رو جای طرح آن در این مقاله نبوده است. آیا ممکن است نیمچه بریدن، هدیه دادن پارچه و جامه و خلعت باشد؛ مثل قماش پیشکش کردن در این بیت:

برچه و کاهل مباحش، در ره عشق و معاش پیشکشی کن قماش، رونق تجار بین (غزل ۲۰۵۷)

اگر نیمچه به معنی جوجه خروس باشد - چنانکه استاد توفیق سبحانی حدس زده‌اند - چگونه می‌توان «نیمچه‌ای بریدن» را به جای «سر نیمچه‌ای بریدن (قربانی کردن)» به کار برد؟!

۵۳ - گفتم ار هیچ نگویم تو روا می‌داری؟ آتشی گردی و گویی که درآ، هیچ مگو

در نسخه: ... آتشی گردی و گویی ...

• ضبط فروزانفر نیز وجهی دارد؛ یعنی سراپا آتش قهر شوی. ولی "آتش کردن" را اگر بدون تکلف بتوانیم "آتش افروختن" معنی کنیم، ضبط قونیه مرجح خواهد بود.

۵۵ - غم مده و آه مده، جز به طرب راه مده آه ز بی‌راه بود، ره بگشا بار بده

در نسخه: آه ز پی راه بود، ره بگشا بار بده

• بیت نسخه بدلی ندارد. با کنار گذاشتن ۳ نسخه‌ای که فاقد این غزل‌اند و ضبط متفاوت "فد"، باید گفت که ضبط متن بر اساس ۷ نسخه دیگر صورت گرفته است. بعید است که "آه" مصراع اول از تنگی بحر عروضی در مصراع دوم به "آه" تبدیل شود. بیت با ضبط فروزانفر معنی سرراستی دارد: به ما غم و آه مده و ما را جز به شادی و طرب راه مده "آه" از آن کسی است که گمراه و بی‌نصیب مانده است. راه را باز کن، بار بده تا کسی از بی‌راهی و گمراهی آه نکشد. "بی‌راه" به این معنی در شعر مولانا آمده است:

بس ز دفع این جهان و آن جهان مانده‌اند این بی‌رهان بی این و آن
۵۶ - آنکه به خویش است گرو، علم و فرییش مشنو

هست تو را دانش نو، هوش به اسناد مده

در نسخه: ... هست تو را دانش نو، هوش به اسناد مده
در بیت سوم هم "دست به اسناد مده" آمده است.

• آمدن "استاد" به عنوان قافیه در بیت سوم، ضبط "استاد" را در این بیت تقویت می‌کند یا تضعیف؟! در ضبط "اسناد" ۷ نسخه اتفاق داشته‌اند؛ پس باید وجهی داشته باشد: هرگز از کسی که در بند خویش است، علم مشنو و فریب علم‌دانی او را مخور. تو خود دانش بی‌واسطه و بی‌سابقه داری پس در بند اسناد و روایات مباش و هوش خود را به دانش کهنه مده.

۵۹ - چو یوسف با عزیز مصر باشید برون آید از زندان و از چاه

در نسخه: چو یوسف تا عزیز مصر باشید ...
در پانوشت این نسخه بدل آمده است.

• ضبط قونیه در نظر اول مرجح می‌نماید ولی مراجعه به ابیات قبل شکی باقی نمی‌گذارد که همان ضبط فروزانفر (ضبط مبتنی بر ۶ نسخه دیگر) درست‌تر است:

ایا گم‌گشتگان راه و بی‌راه	شما را باز می‌خواند شهنشاه
همی گوید شهنشاه کان مایید	صلا، ای شهره‌سرهنگان، به درگاه
... بییونید پیوند قدیمی	چو هی چسفیده بر دامان الله
چو یوسف با عزیز مصر باشید	برون آید از زندان و از چاه

در این ابیات، سخن از دعوت به خدا و پیوستن به خدا و بریدن از دنیا و تعلقات است. همچنان که "ه" دست از دامان کلمه "الله" بر نمی‌دارد و همیشه متصل بدوست، شما نیز از زندان و چاه بیرون بیایید و مانند یوسف به عزیز مصر (که در اینجا نماد خداست) بپیوندید و با او باشید و یک لحظه از او جدا نشوید.

یوسف به خواهش زلیخا که زن عزیز مصر بود، خریداری شد و به صورت غلام و فرزند خوانده عزیز مصر درآمد و البته در نهایت به عزیزی مصر رسید.

۶۳ - عشق مپرس چون بود، عشق یکی جنون بود

سلسله را زبون بود، نی به طریق احمقی

در نسخه: عشق مپرس چون بود...

• از ده نسخه‌ای که این غزل را دارند جز نسخه "فد" هر نه نسخه، ضبط "مپرس" داشته‌اند. وقتی می‌خواهیم از غیرعادی بودن چیزی خبر دهیم معمولاً با "مپرس" زمینه شنیدن آن را در خواننده فراهم می‌کنیم:

مرا مپرس عزیزا که چند می‌گردی که هیچ نقطه نپرسد ز گردش پرگار
(غزل ۱۱۴۱)

مپرس از کشتی و دریا، بیا بنگر عجایب‌ها

که چندین سال من کشتی در این خشکی همی‌رانم

(غزل ۱۴۱۴)

غزلی با ردیف مپرس:

دست بنه بر دلم، از غم دلبر مپرس چشم من اندرنگر، از می و ساغر مپرس
جوشش خون را ببین از جگر مؤمنان وز ستم و ظلم آن طرّه کافر مپرس
(غزل ۱۲۱۲)

۶۵ - که تا خلوت کند زیشان، کند مشغول ایشان را

بگیرد خانه تجرید و خلوت را به عیاری

ندانی سرّ این را تو که علم و عقل تو پرده‌ست

برون غار و تو شادان که خود در عین آن غاری

در نسخه: ... علم و عقل تو برده‌ست...

• در بیت‌های قبل سخن از عاشق است که ظاهر مغفل دارد و دار و ندار خود را به تاراج می‌دهد و اینگونه اهل دنیا را مشغول می‌کند تا خود با دوست بی هیچ تعلقی خلوت کند. در بیت اخیر می‌گوید: این نکته را که کسی چنین کند تو درک نمی‌کنی؛ چراکه هنوز علم و عقل تو مانند پرده‌ای بر در غار آویخته و تو را از اصحاب کهف دل جدا کرده است؛ در حالی که تو از نادانی گمان می‌کنی که در عین غار تجرید و اخلاصی: بدرت زهره جانت اگر ناگاه بینی تو که از اصحاب کهف دل، چگونه دور و اغیاری ۶۹ - مربوط به تکرار بیتی در چاپ فروزانفر است که آن تکرار در نسخه قونیه نیست.

• همانند مورد ۴۴ ارتباطی با موضوع ندارد؛ چراکه چاپ فروزانفر، برآیند ۹ و در بعضی مجلدات ۱۱ نسخه خطی است و این تکرار حتماً از طریق نسخه دیگری (چت) وارد متن شده است.

۷۱ - نداند عطسه را زان لاغ دیگر نداند شیر از روبه عیاری
در نسخه: ندارد عطسه را...

• با توجه به بیت قبل تردیدی نمی‌ماند که ضبط "نداند" مرجح است:
مکن یاد کسی ای جان شیرین که نشناسد خزان را از بهاری
می‌گوید: کاری به کار کسی نداشته باش که بهار را از خزان باز نمی‌شناسد و عطسه را از آن صدای دیگر و شیر را از روباه زیرک تشخیص نمی‌دهد.

۸۷ - صف‌های پری‌رویان در بزم سلیمانی با نغمه داوودی، مرغ خوش الحانی
در نسخه: ... مرغان خوش الحانی (که سکتته ندارد)
• اگر "خوش" را با کسره بخوانیم سکتته نخواهد داشت.
"الحانی" صفت نسبی است یعنی خوش‌آواز.
صف‌های پری‌رویان در بزم سلیمانی مانند مرغ زیبای خوش‌آواز، نغمه داوودی سر داده‌اند.

۹۰ - جان محرم درگاه همی باید برد دل، پرغم و پر آه همی باید برد
از خویش به ما راه نیابی هرگز از ما سوی ما راه همی باید برد
در نسخه: ردیف "همی باید بود" است.

ردیف نقل شده در نسخه فروزانفر در مصراع چهارم، چندان مناسب نمی‌نماید.

• اتفاقاً برعکس؛ ردیف نسخهٔ فروزانفر در بیت اول، نامتناسب است و در بیت دوم مقبول و متناسب و ضبط قونیه در بیت دوم غریب به نظر می‌رسد:

از خویش به ما راه نیابی هرگز از ما سوی ما راه همی باید بود (؟)

با کنار گذاشتن اغلاط چاپی که استاد توفیق سبحانی آنها را گوشزد کرده‌اند، با مقالهٔ ایشان حدود ۱۶ تا ۱۷ بیت (۵، ۱۰، ۱۶، ۲۵، ۳۰، ۳۴، ۴۰، ۶۰، ۶۶، ۶۷، ۷۴، ۷۵، ۸۴، ۸۶، ۸۸) ضبط‌های بهتری نسبت به ضبط مختار استاد فروزانفر پیشنهاد شده است که حتی یک بیت آن نیز مغتنم است. مهم‌ترین کاری که ایشان با نوشتن آن مقاله کرده‌اند، فتح‌یابی است برای نقد و ارزیابی کارهایی که دربارهٔ مولانا - مخصوصاً در سال‌های اخیر - صورت گرفته است. متأسفانه این روزها، نویسندگان بیش از خواننده است و یک دلیل اصلی آن، فقدان نقدهای خوب است؛ چرا که صاحبان قلم به‌ندرت وقت برای مطالعهٔ آثار دیگران پیدا می‌کنند! دربارهٔ سؤال سوم ایشان، جز احتمال ترکی بودن کلمهٔ "نیمچه" (شمارهٔ ۴۴) مورد دیگری در این مقاله به نظر نمی‌رسد و گویا تنها همین مورد، طرح آن را موجب شده است؛ البته در دیوان کبیر کلمات ترکی بسیاری وجود دارد که استاد توفیق سبحانی در حواشی خود بر نسخهٔ قونیه حتی الامکان به شرح آنها همت گماشته‌اند ولی داوری دربارهٔ توضیحات استاد فروزانفر راجع به آنها، مجالی فراخ‌تر و بررسی دقیق‌تری را اقتضا می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱- علاوه بر اینها در مقدمهٔ جزوهای دوم و چهارم از دو نسخهٔ دیگر سخن رفته که به ترتیب بعد از تصحیح جزو اول و جزو سوم به دست مصحح رسیده و از این رو معرفی و ارزیابی اعتبار آنها در مقدمه‌های مذکور، به شرح ذیل صورت گرفته است:

الف - نسخهٔ عکسی که اصل آن محفوظ است در کتابخانهٔ ملی وین به شمارهٔ ۵۴۷/۵۶ مشتمل بر ۷۷۶ صفحه و ۳۵۲۰۷ بیت، که کتابت آن در چهارم محرم ۸۴۵ به پایان رسیده است. این نسخه را زکی ولیدی طوغان معرفی نموده و عکس آن به اهتمام مینوی فراهم آمده و در اختیار مصحح گذاشته شده است و به دلیل تازگی نسخه تنها در ترجیح [ضبط‌های] بعضی از نسخ اساس بر یکدیگر در چند مورد معدود از آن استفاده شده. رمز آن "ین" انتخاب شده است.

ب - عکس نسخه خطی مضبوط و مصحح متعلق به حسن عالی بک یوجل (از فضلی بنام کسور ترکیه)، مشتمل بر ۴۱۴ ورق و ۱۲۹۲۷ بیت.

این نسخه به وثاقت و صحت نسخه "قو" و "چت" نیست و با این همه به سبب قدم و دقت کاتب در اکثر موارد درخور اعتماد است. این نسخه در نیمه اول قرن هشتم استنساخ شده و رمز آن ذیل صفحات، "عل" است.

۲- اینک جزو اول دیوان کبیر را مبتنی بر اقدم نسخ که جدیدترین آنها (فد) ۹۸ سال پس از وفات مولانا کتابت شده است، به خواستاران تقدیم می‌کنم (مقدمه ص یو).

۳- تعداد ابیات غزل‌های این نسخه ۶۶۰ بیت گزارش شده ولی توجه به توضیحات ضمنی، اشتباه بودن آن را محرز می‌کند: «این نسخه مشتمل بر ۳۰۰ ورق (۶۰۰ صفحه) و هر صفحه متضمن ۱۹ سطر است که از ورق ۲ تا ۱۴۱ غزل‌های بحر رجز و مجتث نوشته شده و سایر بحور را ندارد و از ورق ۱۴۲ تا آخر نسخه رباعیات نوشته شده است» (مقدمه جزو اول ص «ی»). اگر در ۱۴۰ ورق (۲۸۰ صفحه)، ابیات غزلها درج شده باشد و در هر صفحه ۱۹ بیت آمده باشد (در هر سطر یک بیت)، نسخه حداقل باید حاوی ۵۳۲۰ بیت باشد و در صورت کسر قسمت‌های خالی صفحات، ممکن است همان عدد ۴۶۶۰ درست بوده که در هنگام حروف‌چینی ۴ آن افتاده است.

۴- رک: مینوی، لزوم اهتمام در چاپ کردن کتب مولانا به طریق تصحیح انتقادی، نامه انجمن، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۶، ص ۵-۲۰

۵- «ما در تصحیح دیوان پس از امعان نظر و دقت و مقایسه سایر نسخ برای این نسخه اعتماد کلی حاصل کرده‌ایم» (مقدمه جزو اول «ز»).

۶- این یادداشتها بعد از ملاحظه غلطنامه تنظیم شده است.

۷- حین در متن به همین صورت ضبط شده ولی ممکن است آن را چین خواند.

۸- علامت مدّ یا کلاه بر روی "ا" کاملاً آشکار است.

۹- "نقصان" تحقیقاً از چاپ فروزانفر، جایگزین "نفسان" شده بدون اینکه در حاشیه بدان اشاره شود.

منابع

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) *لغت نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مولوی، جلال الدین محمد بلخی (۱۳۸۴) *گزیده غزلیات شمس*، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- مولوی، جلال الدین محمد بلخی (۱۳۸۶) *دیوان کبیر*، کلیات شمس، چاپ عکسی از روی نسخه خطی موزه مولانا در قونیه، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- مولوی، جلال الدین محمد بلخی (۱۳۸۶) *دیوان کبیر*، کلیات شمس تبریزی (نسخه قونیه) توضیحات، فهرست و کشف الابیات، ۲ج، توفیق ه. سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مولوی، جلال الدین محمد بلخی (۱۳۶۳) *کلیات شمس یا دیوان کبیر*، با تصحیحات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر، ۱۰ج، تهران: امیرکبیر.
- مینوی، مجتبی (۱۳۸۶) «لزوم اهتمام در چاپ کردن کتب مولانا به طریق تصحیح انتقادی»، نامه انجمن (فصلنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی)، سال هفتم، ش ۳، صص ۲۰-۵.
- هاشم‌پور سبحانی، توفیق (۱۳۸۶) «دیوان کبیر قونیه و کلیات شمس استاد فروزانفر»، فصلنامه ادب پژوهی، سال اول، ش ۲، صص ۹۵-۱۱۶.